



طرح توطئه قتل سفیر عربستان سعودی در واشنگتن از دیدگاه نظریه امنیتی سازی

بهرام مستقیمي^۱

تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۹/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۲۰

چکیده

دادستان کل ایالات متحده در ۱۱ اکتبر ۲۰۱۱ اعلام کرد که دولت یک توطئه مورد پشتیبانی ایران، برای به قتل رساندن سفیر عربستان سعودی در ایالات متحده در یک رستوران در واشنگتن را خنثی کرده است. عربستان و ایالات متحده طی نامه‌هایی اعتراض خود را به شورای امنیت سازمان ملل متحد منعکس ساختند. این نامه‌ها حکایت از آن داشت که موضوع از نظر ایالات متحده و عربستان سعودی امنیتی تلقی می‌گردد و به همین دلیل ضرورت دارد در ملل متحد مطرح گردد. اما موضع‌گیری ایران حکایت از آن دارد که از نظر این دولت موضوع امنیتی نیست و معنایش آن است که اقدام شورای امنیت را طلب نمی‌کند. نظریه‌ای که می‌تواند این اختلاف دیدگاه‌ها را تبیین کند، نظریه امنیتی سازی است که توضیح می‌دهد چگونه امکان دارد یک وضع از دیدگاه برخی از طرف‌های آن خطر امنیتی باشد و از دیدگاه طرف‌های دیگر این خصیصه را نداشته باشد. در امنیتی سازی، یک کنشگر امنیتی ساز موفق می‌شود یک تهدید یا آسیب پذیری را به مثابه تهدیدی نسبت به موجودیت مخاطب معرفی و بر این اساس تأیید اقدامات اضطراری را دریافت کند. اقدام‌های ایالات متحده در معرفی توطئه، امنیتی نشان دادن آن، اثر این اقدام‌ها بر دیگر دولت‌ها و نتیجه حاصل از آن فرایند امنیتی ساختن «طرح توطئه قتل سفیر عربستان سعودی در واشنگتن» را توضیح می‌دهند. این فرایند نشان می‌دهد که امنیتی سازی «طرح توطئه» در برخی موارد موفق بوده و در پاره‌ای از موارد نبوده است.

واژگان کلیدی: امنیتی سازی، ایالات متحده، ایران، توطئه قتل، عربستان سعودی.

مقدمه

دادستان کل ایالات متحده در ۱۱ اکتبر ۲۰۱۱ اعلام کرد که دولت یک توطئه برای به قتل رساندن سفیر عربستان سعودی در ایالات متحده، در یک رستوران واشنگتن را خنثی کرده است. بر اساس شکواییه دادستانی، این توطئه را ایران، طراحی، پشتیبانی و هدایت کرده بود و یک امریکایی ایرانی الاصل به نام «منصور ارباب سیر» با کمک مالی یکی از اقوام خود و عضو سپاه قدس به نام «علی غلام شکوری» به دست شخصی که در ظاهر عضو یک گروه قاچاقچی مواد مخدر در مکزیک بود و در واقع مخفیانه با اف. بی. آی همکاری داشت می‌بایست آن را به اجرا در می‌آورد. (Henderso; Rogin; Fassihi, 2011) سخنگوی وزارت امور خارجه ایران این ادعا را رد کرد و آن را یک «نمایش نامه از پیش ساخته شده» و یک «نمایش مسخره» خواند. (2011, "Iran Denies Involvement in Plot ...")

پانزدهم اکتبر نیز عربستان سعودی از طریق نمایندهٔ دائم خود در سازمان ملل متحد، خواستار آن شد افرادی که سعی در قتل سفیر این دولت در واشنگتن را داشتند، به پیشگاه عدالت آورده شوند و نیز دبیرکل خواسته شد «توطئه شنیع قتل» سفیر عربستان در ایالات متحده را به اطلاع شورای امنیت برساند. نماینده عربستان این بیانیه را یک نامه رسمی اعتراض تلقی می‌کند. دبیر کل ملل متحد نامه دیگری از ایالات متحده دریافت کرد که تلاش برای قتل سفیر عربستان را به طور رسمی اطلاع می‌داد. (Al-Oraibi, 2011)

در واقع با این نامه‌ها ایالات متحده و عربستان سعودی بر اساس فصل ششم منشور ملل متحد توجه شورای امنیت را به «اختلاف یا وضعیتی» جلب کرده‌اند^۱ که «ممکن است منجر به یک اصطکاک بین‌المللی گردد یا اختلافی ایجاد نماید»، تا شورا «تعیین نماید آیا محتمل است ادامه اختلاف یا وضعیت مزبور، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر بیندازد»^۲ و اگر وجود این احتمال را تشخیص داد «تصمیم بگیرد که طبق ماده ۳۶ عمل کند یا شرایطی را که برای حل و فصل مناسب تشخیص می‌دهد توصیه نماید»^۳. به موجب ماده ۳۶ شورای امنیت می‌تواند در هر مرحله از اختلافی «که ادامه آن محتمل است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد»^۴ اهر وضعیت شبیه به آن روش‌ها یا ترتیب‌های حل و فصل

۱- بند ۱ ماده ۳۵

۲- ماده ۳۴

۳- بند ۲ ماده ۳۷

۴- بند ۱ ماده ۳۳

مناسب را توصیه نماید. البته شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور می‌تواند «برای جلوگیری از وخامت وضعیت... توصیه‌هایی بنماید یا در باره اقداماتی که باید معمول گردد تصمیم بگیرد»^۱ یا «وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز را احراز و توصیه‌هایی» بنماید یا تصمیم بگیرد «برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به چه اقداماتی... باید مبادرت شود». مبنای این اختیارات در بند ۱ ماده ۲۴ منشور قرار دارد که «به منظور تأمین اقدام سریع و مؤثر از طرف ملل متحد، اعضای آن مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار» کرده‌اند.

آنچه از منشور ملل متحد نقل شد حکایت از آن دارد که تا یک موضوع جنبه امنیتی نداشته یا پیدا نکرده باشد نمی‌تواند در شورای امنیت مطرح و درباره آن تصمیم‌گیری شود. بنابراین نامه‌های ایالات متحده و عربستان اختلاف یا وضعی را بین آن دو و ایران به اطلاع شورای امنیت رسانده‌اند که از نظر آن‌ها ادامه آن صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازد و اقدام سریع و مؤثر این شورا را می‌طلبد. به عبارت دیگر موضوع از نظر ایالات متحده و عربستان سعودی امنیتی تلقی می‌گردد و به همین دلیل ضرورت دارد در ملل متحد مطرح گردد. اما موضع‌گیری ایران حکایت از آن دارد که از نظر این دولت، موضوع امنیتی نیست و معنایش آن است که اقدام شورای امنیت را طلب نمی‌کند. یکی از نظریه‌هایی که می‌تواند این اختلاف دیدگاه‌ها را تبیین کند نظریه امنیتی سازی است که نشان می‌دهد چگونه امکان دارد یک وضع از دیدگاه برخی از طرف‌های آن خطر امنیتی باشد و از دیدگاه طرف‌های دیگر این خصیصه را نداشته باشد.

بر این اساس نوشتار حاضر در دو بخش تنظیم شده است. بخش نخست به معرفی نظریه امنیتی سازی اختصاص دارد. در بخش دوم بر پایه شناخت حاصل از نظریه معرفی شده رویداد موسوم به «توطئه قتل سفیر عربستان سعودی» تجزیه و تحلیل می‌گردد.

۱- نظریه امنیتی سازی

نظریه امنیتی سازی در جریان بحث‌های مربوط به امنیت جامعه در مؤسسه مطالعات صلح کپنهاگ بسط یافت^۲. بنیان این نظریه آن است که واژه امنیت نیرویی گفتمانی و سیاسی

۱- ماده ۴۰

۲- ماده ۳۹

دارد و مفهومی است که بیشتر کاری را انجام می‌دهد (امنیتی می‌سازد) تا یک وضع عینی یا ذهنی را نشان دهد. بر این اساس نظریه امنیتی سازی اشاره به فرایند آرایه یک موضوع در قالب مفاهیم مربوط به امنیت، یعنی یک تهدید موجودیتی، دارد. امنیتی سازی در پی یافتن منطق به حرکت در آورنده فرایندی است که در جریان آن موضوعات، امنیتی دیده می‌شوند. این نظریه به جای آنکه وجود یک تهدید و ضرورت پاسخ دادن به آن از راه سیاست امنیتی را امر بدیهی بداند، تحلیل را به سوی فرایندهایی سوق می‌دهد که با آن‌ها یک پدیدار در مقوله تهدید قرار می‌گیرد. این تهدید در گفتمان امنیت جنبه غالب پیدا می‌کند و ساخت یابی گفتمانی آن آثار سیاسی خاصی را به وجود می‌آورد. از جمله این آثار می‌توان به ایجاد فرصت برای مهم‌ترین فراهم آورندگان مهم امنیت (یعنی دولت‌ها) اشاره کرد تا با آن بتوانند اقدام‌های فوق‌العاده را توجیه کنند و کسانی را انتظام بخشند که قرار است امنیتشان تأمین گردد. (Buzan and Hansen, 2009, 214)

این نظریه بر پایه نظریه زبان شناختی کنش‌گفتاری^۱ شکل گرفته است. بر اساس نظریه اخیر برخی گزاره‌ها چیزی بیش از صرف توصیف یک واقعیت معین هستند و نمی‌توان در باره راست و دروغ بودن آن‌ها قضاوت کرد. این گزاره‌ها کاری انجام می‌دهند. آن‌ها کنشی^۲ هستند نه گزارشی^۳. گزاره‌های اخیر تنها وضعیت امور را گزارش می‌دهند و می‌توان راست و دروغ آن‌ها را آزمود. در این نظریه هر جمله سه کار را انجام می‌دهد که در مجموع وضعیت کنش‌گفتاری را پدید می‌آورند: (۱) کنش احرازوند،^۴ یعنی بیانی که حاوی یک مفهوم و ارجاع معین است. (۲) کنش اجراوند^۵ یعنی به اجرا در آوردن یک عمل با گفتن چیزی. این نوع جمله شامل گفته‌هایی می‌شود که آشکارا جنبه اجرایی دارند. (۳) کنش برانگیزنده^۶ یعنی آثار بعدی یا پی‌آمدهایی که هدفشان برانگیختن احساسات، باورها،

سازی بیشتر بر اساس عملکردها، بافت و روابط قدرتی صحبت می‌کنند که به ساخته شدن تصورات مربوط به تهدید خصوصیت می‌بخشند، که معروف به مکتب پاریس است. بر اساس این مکتب استدلال می‌شود که با وجود اهمیت داشتن عملکردهای استدلالی در تشریح اینکه چگونه برخی مسایل امنیتی سر آغاز پیدا می‌کنند، بسیاری از این مسایل بدون عمد استدلالی یا با عمد اندک به وجود می‌آیند. برای مطالعه بیشتر درباره این دیدگاه که به دیدگاه جامعه‌شناختی معروف است نگاه کنید: chapter1 Balzacq, 2011

- 1- speech act
- 2- performative
- 3- constative
- 4- locutionary
- 5- illocutionary
- 1- perlocutionary

اندیشه‌های مخاطب مورد نظر است. (Balzacq, 2005, 175)

کنش‌های اجراوند و برانگیزنده از لحاظ جهت و ماهیت نتایج در دو مسیر مخالف قرار دارند. کنش اجراوند تنها در صورتی متضمن اثر است که چهار وضعیت مناسب تحقق پیدا کرده باشد. نخست؛ وضعیتی مقدماتی که وجود یک عملکرد دارای اثر متعارف معین آن را محرز می‌گرداند و در آن کلمات معینی را اشخاص معینی در اوضاع و احوال معین بیان می‌کنند. دوم؛ وضعیتی اجرایی برای احراز این امر که آیا عملکرد اشاره شده را همه مشارکت‌کنندگان به طور کامل عملی ساخته‌اند یا نه. سوم؛ وضعیت خلوص که نشان می‌دهد مشارکت‌کنندگان در وضعیت عملکرد متعارف باید افکار و احساسات معینی داشته و نیتشان آن باشد که چنان عمل کنند. چهارم؛ وضعیتی تکمیلی که با رفتار بعدی خود مشارکت‌کنندگان بر اساس آن نیت احراز می‌شود. کنش برانگیزنده، خاص اوضاع و احوال رخ دادن موضوع است و شامل همه آثار عمدی یا غیر عمدی و اغلب نامعینی می‌شود که احتمال دارد برخی گفته‌ها در برخی وضعیت‌ها موجب شوند. (Balzacq, 2005, p. 175)

با توجه به آنچه گفته شد امنیت یک کنش گفتاری و مسایل امنیتی، محصول سیاسی نیروی کنش اجراوند^۱ کارگزاران تأمین امنیت و یکی از مؤثرترین راه‌های تحلیل مسایل امنیتی از راه عملکردهای گفتمانی در بخش‌های مختلف امنیتی است. (C. A. S. E., 2006, 448; Oelsner, 2007, 261)

انگاره امنیتی سازی فرایندهایی را توصیف می‌کند که در آن‌ها کنش گفتاری از نظر اجتماعی و سیاسی موفق، در برجسب زدن به یک موضوع به عنوان موضوع امنیتی، آن کنش را از عرصه سیاست عادی روزمره خارج می‌سازد و در مقوله یک تهدید نسبت به موجودیت قرار می‌دهد و این وضعی است که اقدام‌های حاد، غیر عادی، اضطراری و دیگر اقدامات خارج از محدوده عملکرد عادی و معمولی سیاسی را برای مقابله با آن طلب و توجیه می‌کند. در اینجا طیفی از موضوعات را می‌توان مشخص کرد که از موضوعات غیر سیاسی شده آغاز می‌گردد و از راه سیاسی گرداندن به امنیتی سازی می‌رسد. یک موضوع هنگامی غیرسیاسی شده است که اقدام دولت را طلب نکند و در بحث عمومی وارد نشده باشد. موضوع سیاسی شده نیازمند تصمیم حکومت و تخصیص منابع یا شکل دیگری از جامعه‌داری^۲ است یعنی با اقدام‌های معمولی سیاسی تدبیر می‌شود. قرار گرفتن در دیگر انتهای طیف یعنی امنیتی سازی هنگامی است که نیاز به کنش‌های اضطراری فراتر از

1- illocutionary force.

2- societal security.

رویه‌های سیاسی معمول دولت دارد.

در امنیتی سازی سه واحد تحلیل وجود دارد: «موضوع مورد ارجاع»^۱ یعنی چیزی که امنیتی سازی درباره آن صورت می‌گیرد، «کنشگر امنیتی ساز»^۲ یعنی شخصی که با اعلام چیزی به عنوان یک تهدید موجودیتی موضوع را امنیتی می‌سازد، و «کنشگران عملکردی»^۳ یعنی کسانی که فعالیت‌هایشان آثار مهمی برای ایجاد امنیت دارد. (Buzan and Hensen, 2009, 214) به این ترتیب در امنیتی سازی، یک «کنشگر امنیتی ساز» موفق می‌شود یک تهدید یا آسیب‌پذیری را به مثابه تهدیدی نسبت به موجودیت مخاطب معرفی و بر این اساس تأیید اقدامات اضطراری را دریافت کند. اگر موفق نشود، مخاطب امنیت ساز مشروعیت یا تأیید لازم را اعطا نمی‌کند. امنیتی سازی موفق اقدامات اضطراری را مشروع می‌گرداند. این اقدامات یا در جهت برخورد با موضوع مورد ارجاع، با توسل به زور است یا در راستای اقدام‌هایی فوق‌العاده برای اجتناب از توسل به زور در آینده. (McDonald, 2008, 566) اما تهدید نسبت به موجودیت چیست و اقدام‌های فوق‌العاده کدامند؟ تهدید نسبت به موجودیت فقط می‌تواند در عرصه یا بخش موضوع مورد ارجاع درک گردد. استاندارد خاصی وجود ندارد که چه چیز حیات انسان را در معرض تهدید قرار می‌دهد. از آنجا که موجودیت بسته به عرصه‌های مختلف تفاوت می‌کند، ماهیت تهدید نسبت به موجودیت نیز متفاوت خواهد بود. (Buzan, 1997, 15-16)

بر این اساس فرایندهایی که پیش‌تر اشاره شد، بسته به اینکه به عرصه اقتصادی، زیست محیطی، سیاسی، نظامی یا اجتماعی تعلق داشته باشند موضوع‌های مورد ارجاع مختلف دارند. حرکت در جهت امنیتی سازی، یعنی صرف ادعای برخورد با چیزی با اقدام‌های استثنایی، در صورتی مورد قبول مخاطب^۴ مربوط قرار می‌گیرد که بدل به یک امنیتی سازی موفق بشود؛ یعنی اقدام‌های استثنایی به صورت واقعی عملی شوند. نوع این اقدام نیز بستگی به اوضاع و احوال و بافتار تهدید دارد. به عبارت دیگر موضوعات بر اساس دیالکتیک بین کارگزاران دولت امنیتی ساز و قبول یا رد مخاطب عام در اوضاع و احوال و بافتار خاص تهدید امنیتی می‌شوند. (Collins, 2010, 141)

الگوی واقعی این امر بستگی به امنیتی سازی جهان واقع، به دست کنشگران دارد.

-
- 1- referent object.
 - 3- securitizing actor.
 - 4- functional actors.
 - 5- audience.

بنابراین تهدیدها و برخوردها (تعارضها) می‌توانند بیشتر نظامی - سیاسی، زیست محیطی، مربوط به جامعه و یا اقتصادی و معطوف به انگاره‌وری دولت فهمیده شوند، که هر کدام پاسخ اضطراری متفاوتی را می‌طلبند. (C. A. S. E., 2006, 454)

همه فرایندهای امنیتی سازی با یک عرصه امنیتی پیوند دارند که مرکب از گروه‌ها و نهادهایی هستند که برای خود اقتدار قائلند و مجازند بگویند چه چیزی امنیت است. (C. A. S. E., 2006, 457)

امنیتی سازی هیچگاه نمی‌تواند معطوف به این امر عینی باشد که یک مسئله ذاتاً امنیتی است. از چشم انداز نظریه امنیتی سازی امنیت، یک وضعیت عینی و مادی نیست. (Aras and Polat, 2008, 497) امنیت مفهومی با معنای ثابت نیست و بنابراین نمی‌توان آن را به طور عینی تعریف کرد. (Higashino, 2004, 349) این کیفیت همواره در ارتباطات انسان‌هاست که به مسئله مورد نظر داده می‌شود. بنابراین وجود یا عدم وجود احساس تهدید، آسیب پذیری و امنیت یا ناامنی بیش از آنکه جنبه عینی داشته باشد یک مفهوم برساخته اجتماعی است.

بر این اساس هر چیزی هنگامی که موضوع امنیتی نامیده شود، بدل به چنین موضوعی می‌شود، اولویت مطلق پیدا می‌کند و به نظم اجتماعی شکل جدیدی می‌دهد که در آن عملکرد عادی سیاسی کنار نهاده می‌شود. به عبارت دیگر امنیتی سازی تنها یک کنش گفتاری نیست، بلکه یک فعالیت تعاملی وابسته به موقعیت است که نقش تحولات عینی خارجی را مد نظر قرار می‌دهد. به این ترتیب برای موفقیت امنیتی سازی ضرورت دارد که کنشگر هم وجه داخلی یعنی قواعد کنش گفتاری را رعایت کند و هم وجه خارجی، یعنی بافتاری و اجتماعی، این کنش را حفظ نماید. یعنی موضعی اتخاذ کند که بتوان چنین کنشی را انجام داد. وجه خارجی با مفهوم وضعیت‌های تسهیل کننده^۱ بیان می‌شود. (Aras and Åtland and Bruusgaard, 2009, 337) برای آنکه یک موضوع بدل به موضوع امنیتی شود، باید کنشگر امنیتی ساز که نماینده دولت است، در این جهت حرکت کند. او باید چیزی را تهدید نسبت به موجودیت بنامد و بر این اساس مدعی شود از آنجا که باید فوری با چنین تهدیدی برخورد گردد، لازم است حق ویژه‌ای برای مقابله با موضوع به کمک روش‌های فوق‌العاده و کنار گذاشتن قواعد عادی کنش سیاسی اعطاء شود. با این کار کنشگر امنیتی ساز یک موضوع را به عنوان مسئله‌ای

1- facilitating conditions.

امنیتی معرفی و برجسته می‌کند که مقابله با آن استفاده از روش‌های فوق‌العاده را لازم دارد و توجیه می‌کند. این اقدام کنشگر هنگامی موفقیت آمیز است که مخاطب امنیتی بودن موضوع را بپذیرد. در این زمینه منطق امنیتی تصمیم‌گیرندگان سیاسی نقش مهمی دارد. بنابراین سیاستی که اتخاذ می‌شود ماهیت پی‌آمدهای امنیتی ندارد، بلکه سیاستمدارانی آن را اتخاذ می‌کنند که نفعی در تعریف یک موضوع به عنوان موضوع امنیتی دارند. به عبارت دیگر امنیتی سازی همواره متکی به گزینش سیاسی است. (Higashino, 2004, 349)

در مفهوم امنیت باید به دو سطح کارگزار و کنش توجه داشت که هرکدام برای خود وجوه در هم تابیده‌ای دارد. سطح کارگزار سه جنبه را در بر می‌گیرد. (۱) موقعیت قدرتی و هویت شخصی امنیتی ساز که مجموعه‌ای از خصیصه‌ها، باورها، آمال یا اصول مبنای عمل است. (۲) هویت اجتماعی که رفتار کنشگر امنیتی ساز را امکان‌پذیر یا محدود می‌گرداند. (۳) ماهیت و ظرفیت مخاطب و صداها، مخالف اصلی یا صداها، بدیل در حوزه اجتماعی مربوط، به صورت فردی یا جمعی، موقت یا نهادی شده. کنش نیز دو وجه دارد: زبان مناسب مورد استفاده برای اجرای یک عمل خاص و اوضاع و احوال تسهیل‌کننده به حرکت در آوردن مخاطب. (Balzacq, 2005, 178-179)

امنیتی سازی هنگامی موفق است که کارگزار امنیتی ساز و مخاطب به یک دریافت ساختاری مشترک در باره تحولی بد عاقبت می‌رسند. به هر حال زبان واقعیت را نمی‌سازد. (Balzacq, 2005, 181)

در جلب توجه مخاطب به یک حرکت یا تحول، واژه‌های امنیتی ساز باید با بافتاری همناخت باشد که در آن کنش‌های او قرار می‌گیرد. بنابراین موفقیت امنیتی سازی بستگی به آن دارد که آیا مقارنه تاریخی، مخاطب را نسبت به آسیب‌پذیری خود حساس می‌گرداند یا خیر. به عبارت دیگر موفقیت امنیتی سازی بستگی به محیط درک دارد. به هر حال نتیجه مثبت امنیتی سازی، اعم از قوی یا ضعیف بستگی به انتخاب کنشگر امنیتی ساز در مورد زمان مناسب دارد. (Balzacq, 2005, 182)

سخن گفتن از امنیت فقط برای کسانی معنا دارد که می‌دانند چگونه آن را بر اساس موضوع مورد ارجاع خود تفسیر کنند. بنابراین معنای امنیت از قبول متقابل محتوای موضوع تهدید کننده نشأت می‌گیرد. (Balzacq, 2005, 184)

به هر حال امنیت بین‌المللی دستور کار متمایزی دارد. در این عرصه درک سستی سیاسی - نظامی به یک موضوع امنیتی بین‌المللی شکل می‌دهد. در این بافتار، امنیت به بقاء مربوط

می‌شود. تهدیدها و آسیب پذیری‌ها احتمال دارد در عرصه‌های مختلف نظامی و غیر نظامی شکل بگیرند، اما برای تبدیل شدن به موضوعات امنیتی باید به طور دقیق با معیارهایی انطباق بیابند که آن‌ها را از مسایلی متمایز می‌گرداند که به طور عادی از مجاری سیاسی به آن‌ها پرداخته می‌شود. کنشگر امنیتی ساز باید این موضوعات را برای مخاطب به صورت تهدید نسبت به موجودیت در آورد و بر این مبنا تأیید توسل به اقدام‌هایی اضطراری را کسب کند که در غیر این صورت ممنوع‌اند. (Buzan, 1997, 13)

کنشگر امنیتی ساز نسبت به دو نوع حمایت رسمی و اخلاقی حساس است. این دو می‌تواند همخوان باشند یا نباشند. هرچه درجه همخوانی بیشتر باشد احتمال موفقیت آمیز بودن امنیتی سازی بیشتر است. به عنوان مثال برای مبادرت به جنگ علیه یک کشور به منظور خلاص شدن از یک تهدید واقعی یا تصویری، مقامات رسمی سیاسی متوسل به حمایت عمومی و رکن نهادی می‌شوند. با وجود آنکه حمایت اخلاقی لازم است اما به تنهایی کفایت نمی‌کند. تصمیمات رسمی نهادی مانند شورای امنیت است که به حکومت اختیار می‌دهد سیاست خاصی را اتخاذ کند. این حمایت به طور معمول لازم و کافی است. (Balzacq, 2005, 184-185)

با توجه به آنچه گفته شد آیا «طرح توطئه قتل سفیر عربستان سعودی در واشنگتن» ظرفیت بدل شدن به یک تهدید امنیتی را دارد؟ آیا دولت‌های ایالات متحده و عربستان سعودی می‌توانند با نامه‌های اعتراضی خود موضوع را در شورای امنیت مطرح کنند و اجازه دست یازیدن به اقدام‌های غیرمعمول به دست آورند؟ بحث قسمت بعد اختصاص به روشن ساختن ابعاد مختلف طرح اشاره شده دارد تا بتوان معلوم ساخت آیا ظرفیت اشاره شده وجود دارد یا خیر.

۲- طرح توطئه قتل سفیر عربستان

برای آنکه بتوانیم در یابیم که آیا «طرح توطئه قتل سفیر عربستان سعودی در واشنگتن» ظرفیت بدل شدن به تهدید امنیتی را دارد یا نه، ضرورت دارد روشن گردد این طرح چیست، بر چه مبناهایی استوار است و مدعی آن چگونه کوشیده است آن را امنیتی بنمایاند. همچنین باید بررسی کرد اقدام‌های دولت مدعی کشف چنین «توطئه‌ای» تا چه حد توانسته در دیگر دولت‌ها این باور را به وجود آورد که آنچه معرفی شده واقعاً در حد یک تهدید امنیتی است که ضرورت دارد شورای امنیت سازمان ملل متحد به آن بپردازد. بر این اساس

فرایند امنیتی ساختن «طرح توطئه قتل سفیر عربستان سعودی در واشنگتن» در دو بخش بررسی می‌شود. نخست، اقدام‌های ایالات متحده در معرفی توطئه و امنیتی نشان دادن آن. دوم، اثر این اقدام‌ها بر دیگر دولت‌ها و نتیجه حاصل از آن.

۲.۱. معرفی و امنیتی نشان دادن توطئه

در این بخش بحث با چگونگی شکل‌گیری طرح توطئه به روایت ایالات متحده آغاز می‌شود. سپس آنچه را که ایالات متحده برای پشتیبانی از امنیتی نشان دادن این «طرح توطئه» به عمل آورده بررسی می‌شود که با ارایه سابقه اقدام‌های تروریستی از دید ایالات متحده شروع می‌گردد و با بررسی جنبه‌های شگفتی آور چنین طرحی ادامه می‌یابد. سپس ایرادهای خود آمریکاییان به این طرح بررسی می‌شود و تلاش برای خنثی کردن اثر آنها به صورت تأکید بر آگاه و مسئول بودن مقامات ایران، تأکید بر واقعی بودن «توطئه» اعلام شده و ضرورت مقابله با طراحان و مجریان آن در قالب اقدام‌های مورد نظر ایالات متحده نشان داده می‌شود.

۲.۱.۱. شکل‌گیری طرح توطئه به روایت ایالات متحده

به دنبال یک عملیات اداره مبارزه با مواد مخدر، شخصی به نام «منصور ارباب سیر»، یک آمریکایی با اصلیت ایرانی، در ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۱ دستگیر شد. او پس از دستگیر شدن شروع به حرف زدن با مقامات ایالات متحده کرد و در ۴ اکتبر تحت هدایت آنان به صحبت درباره توطئه قتل سفیر عربستان پرداخت. به گفته دادستان کل ایالات متحده این توطئه مرکب از یک رشته عملیات بود که از ماه مه ۲۰۱۱ آغاز شده بود. در ۲۴ مه ارباب سیر برای ربودن سفیر عربستان در ایالات متحده با شخصی در مکزیک ارتباط برقرار کرد که ظاهراً یکی از اعضای باند قاچاق مواد مخدر بود. اما در واقع به صورت پنهان با اداره مبارزه با مواد مخدر ایالات متحده همکاری داشت. در ماه‌های ژوئن و ژوئیه نیز مجدد برای ملاقات با آن مأمور وارد مکزیک شد. در صحبت‌های بعدی با این مأمور او طرح را تغییر داد و شامل قتل سفیر در یک رستوران با استفاده از سلاح کشتار جمعی (مواد منفجره) در واشنگتن و حمله احتمالی به جمعیت در آن رستوران کرد؛ که به گفته دادستان بخش نیویورک اولین مورد از یک سلسله حملات خونبار بود که مجرمان و هماهنگ کنندگان آن در ایران در نظر گرفته بودند. مأمور مخفی ۱/۵ میلیون دلار دستمزد طلب کرد و ارباب

سیر ۱۰۰۰۰۰ دلار به عنوان پیش پرداخت برای او فرستاد. این پول را ارباب سیر از طریق غلام شکوی، از اعضای نیروی قدس، از حکومت ایران دریافت کرد که به حساب او در ایالات متحده واریز شد. او همچنین در طراحی و اجرای توطئه اشاره شده با استفاده از تسهیلات بین‌ایالتی و تسهیلات مربوط به تجارت خارجی به سفر خارجی مبادرت ورزید. (U.S. Department of Justice and The FBI, 2011) به این ترتیب طرح بدل به یک حرکت تروریستی بین‌المللی می‌شود.

این شرح به ظاهر حاوی گزاره‌های گزارشی، در واقع مشحون از گزاره‌های کنشی، به عبارت دیگر کنش کلامی احرازوند و برانگیزنده است. یعنی علاوه بر آنکه یک مفهوم و ارجاع معین را بیان می‌کند در پی ایجاد آثار بعدی یا پی‌آمدهایی با هدف برانگیختن احساسات، باورها، اندیشه‌ها مخاطب مورد نظر است. به این منظور در آن واژه‌ها و اصطلاحات دارای بار کیفی آدم ربایی، قتل، قاچاق مواد مخدر، توطئه، مواد منفجره و سلاح کشتار جمعی بکار رفته است تا وضعیتی غیر معمول در نزد مخاطب شکل گیرد که نیاز است با اقدام غیر معمول با آن مقابله شود.

در مورد بکار بردن اصطلاح سلاح کشتار جمعی برای مواد منفجره، که به طور معمول اشاره به سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی دارد، این نکته قابل تأمل است که با این کار «طرح توطئه» با فعالیت‌های هسته‌ای ایران مرتبط می‌گردد تا ذهنیت شکل گرفته در مورد این فعالیت‌ها «طرح توطئه» را باور پذیر و تقویت کند. به هر حال، از آنجا که احتمال داشت تصویر رسم شده اثر مورد نظر را به وجود نیآورد باید نشان داده می‌شد این تنها موردی نبود که ایران به این نوع حرکات دست می‌زد.

۲،۱،۲. سابقه اقدام‌های تروریستی از دید ایالات متحده

تحلیل‌گران تلاش کرده‌اند با بیان‌های مختلف وجود چنین سابقه‌ای را به مخاطب نشان دهند، از جمله اینکه ایران از ضربه زدن به هدف‌هایی در خاک خارجی خودداری نکرده است و رد ثبت شده‌ای از عملیات تروریستی بین‌المللی دارد. این نخستین بار نیست که جمهوری اسلامی در خاک ایالات متحده اقدام تروریستی انجام داده. این فقط نمونه‌ای از سلسله گام‌هایی است که حکومت ایران برای ایجاد خشونت و رفتاری برداشته که شما در دیگر کشورها نمی‌بینید. (Rubin, 2011)

اشاره شده است سابقه ایران در این نوع عملیات به اوایل دهه ۱۹۸۰ باز می‌گردد. در آن زمان‌ها ایران عملیات تروریستی را در سطح جهانی - در اروپا، آرژانتین و حتی در خود ایالات متحده - به اجرا در آورد. در ۱۹۸۰ یک مرد مسلح که از حکومت ایران پول گرفته بود «علی اکبر طباطبائی»، دیپلمات سابق ایرانی در تبعید، را در «بتسدا» در ایالت مریلند به قتل رساند. در ۱۹۸۳ ایران از قائم مقام‌های خود در بیروت برای کشتن ۲۵۸ دیپلمات و تفنگدار دریایی آمریکا با بمب گذاری استفاده کرد. (Charged In Plot)

مقامات آلمانی مقامات بلند پایه ایران را متهم به کشتن ناراضیان ایرانی در ۱۹۹۲ در برلین کردند. در آرژانتین بمب گذاری در ۱۹۹۲ در سفارت اسرائیل در «بوئنوس آیرس» ۲۹ کشته و بیش از ۲۴۰ زخمی به جا گذاشت و در بمب گذاری در ۱۹۹۴ در مرکز جامعه یهودی ۸۴ نفر کشته و صدها نفر مجروح شدند. مقامات پی‌گیری کننده آرژانتینی معتقدند که ایران حمله‌ها را طراحی کرده و میلیشیای حزب الله لبنان آن‌ها را به اجرا درآورده است. ایالات متحده ایران را تا حدی مسئول بمب گذاری «برج‌های خُبار» در عربستان در ۱۹۹۶ می‌داند که در آن ۱۶ (به روایت اف. بی. آی ۱۹) نفر از کارکنان هوایی ایالات متحده کشته شدند. (Ghitis, 2011; “2 Iranians Charged In Plot To Kill Saudi)

همچنین امریکاییان معتقدند شواهد متقاعد کننده‌ای نیز وجود دارد که مقامات ایرانی، امریکاییان را در عراق، افغانستان و دیگر نقاط خاورمیانه هدف قرار داده‌اند. نمونه آن تلاش سال ۲۰۰۳ برای هدایت عملیات تروریستی در عربستان سعودی است. همچنین در اکتبر ۲۰۰۷ وزارت خزانه داری نیروی قدس را به عنوان فراهم آورنده حمایت مادی از طالبان و دیگر سازمان‌های تروریستی نام برد. به علاوه گفته شده که ایران برای میلیشیای ضد امریکایی در عراق بمب‌هایی را تأمین کرده که صدها سرباز امریکایی را کشته است. (Rubin, 2011; “2 Iranians Charged In Plot ...”, 2011; U.S. Department of Justice) (and The FBI, 2011; “If Iran Gets the Bomb ...”, 2011)

«کلیتون»، وزیر امور خارجه ایالات متحده در گفت‌وگویی اظهار داشت ایران از تروریست‌هایی پشتیبانی مالی به عمل آورده که در داخل دیگر کشورها از جمله عربستان حمله کرده‌اند. آن دولت بزرگ‌ترین حامی تروریسم در جهان است. (Clinton, 2010a) نکته‌ای که وجود دارد آن است که مقامات و تحلیل‌گران امریکایی در این اشارات، جدا از صحت و سقم‌شان، قتل سیاسی و عمل تروریستی را یکسان می‌گیرند. از نظر کسی که

آن‌ها را یکسان تلقی می‌کند این فایده را می‌تواند داشته باشد که این نوع جنایت، جنایتی در حد جنگ تلقی شود و در نتیجه عنوان جنگ را به خود گیرد که تهدید امنیتی بسیار شدیدی است. این برخورد را ایالات متحده، به ویژه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ داشته که مورد انتقاد نیز قرار گرفته است. در عین حال از آنجا که قربانیان تروریسم مردم معمولی هستند می‌توان با برابر دانستن قتل سیاسی با تروریسم احساس ناامنی ناشی از این عمل در نزد عامه را به قتل سیاسی نیز منتقل ساخت و یک عمل به شدت غیر انسانی را به حد یک تهدید امنیتی از نوع تروریسم ارتقاء داد.

قتل سیاسی کارگزاران یک حکومت را هدف قرار می‌دهد تا به آنان نشان داده شود قادر به تأمین امنیت خود و کارگزارانش نیستند و آنان را وادار به عقب نشینی از سیاست‌های خود کند. در حالی که در ترور افراد مشخص شده‌ای وجود ندارند و مردم عادی قربانی این نوع اقدام‌ها می‌شوند. هدف آن است که مردم عادی متوجه شوند که حکومت قادر به تأمین امنیت آنان نیست و مشروعیتش را در نزد عامه از دست بدهد. بنابراین درست است که هر دو نوع اقدام ایجاد وحشت می‌کند اما کارکردهای متفاوتی دارند و نباید آن‌ها را یکسان دانست.

به علاوه مقام‌ها و تحلیل‌گران آمریکایی با کنار هم قرار دادن این موارد که با یک قتل در خود خاک ایالات متحده در ۱۹۸۰ آغاز می‌شوند، تلاش می‌کنند ذهنیتی به وجود آورند که «توطئه قتل سفیر عربستان سعودی در واشنگتن» قابل قبول شود. با بیان اینکه، اگر آنچه در باره این توطئه گفته می‌شود حقیقت داشته باشد ایران به سال‌های اولیه انقلاب یعنی زمانی باز می‌گردد که با نظم بین‌المللی در کل خصمانه رفتار می‌کرد و مایل بود هنجارهای بین‌المللی را نادیده بگیرد (2011, "2 Iranians Charged in Plot ...") می‌خواهند چنین القاء کنند که انقلاب مردم ایران کار نادرستی بود؛ زیرا از همان ابتدا کسانی به قدرت دست یافتند که مخالف نظم و هنجارهای بین‌المللی بوده‌اند. بنابراین مبادرت به اقدامی از نوع قتل سفیر عربستان سعودی نباید رفتاری غیر عادی و شگفتی بر انگیز باشد.

۲،۱،۳. اقدام شگفتی بر انگیز

گفته شده این عملیات در قالب برخوردها و اختلاف‌های بین ایران و عربستان سعودی دیده شد و از این نظر چندان تعجب آور نبود. برای مثال «ری تیکه» از شورای روابط

خارجی ایالات متحده می‌گوید: «این واقعیت که ایران علیه عربستان توطئه می‌کند مرا متعجب نمی‌سازد. اما آن را حرکتی عجیب و غریب می‌دانم زیرا خارج از حوزه راحت عملیات ایران انجام می‌گرفته است» به هر حال، او علاوه بر عجیب و غریب بودن، آن حرکت را از این نظر شگفتی برانگیز نیز می‌داند که چنین عملیاتی در پایتخت ایالات متحده می‌بایست صورت می‌گرفت. دیگران نیز چنین حرکتی را هدف‌گیری بی سابقه ایالات متحده دانسته‌اند. زیرا پیش از آن معمولاً اقدام‌های تروریستی به خاورمیانه محدود می‌شد و ایرانیان هیچگاه مبادرت به حمله‌ای عمده در داخل خاک ایالات متحده نکردند. (Greenblatt, 2011)

برای مقامات و تحلیل‌گران امریکایی طراحی قتل سفیر عربستان سعودی در واشنگتن به دست ایرانیان از این نظر نیز شگفتی برانگیز است که حرکتی به طور نامعمول گستاخانه است. زیرا بر اساس شواهدی که امریکاییان ارائه می‌دهند در قالب این طرح، نیروی قدس حرکتی از روی جسارت انجام می‌داده و با عملیاتی تروریستی در قلب شیطان بزرگ به آن ضربه می‌زده است (Rubin, 2011) همین نکته که اجرای «طرح قتل سفیر عربستان» در خاک ایالات متحده امری شگفتی برانگیز و برخلاف رفتار معمول منتسب به ایران در اینگونه موارد است، مبنایی را برای تردید در ادعاها در میان بسیاری از مخاطبان، از جمله تحلیل‌گران و حتی برخی از مقامات امریکایی، فراهم آورده است. یعنی آنچه می‌بایست به خاطر شگفتی برانگیز بودن اثر برانگیزنده داشته باشد و کنشی اجراوند را شکل بدهد و تقویت کند، سبب شده ایرادها و تردیدهایی مطرح شود که اثر عکس بگذارد.

۲.۱.۴. ایرادهای مقامات و تحلیل‌گران امریکایی به توصیف ارایه شده از توطئه

بیست و چهار ساعت پس از اعلام خنثی ساختن «توطئه ایران» تعدادی از متخصصان امریکایی ابراز عقیده کردند که به هیچ وجه احتمال ندارد حکومت ایران در پس طرح اشاره شده بوده باشد. ایرادهای مختلفی به این «طرح توطئه» گرفته شده است.

نخست، «سبک ایران» یعنی همان چیزی که وجهی از آن سبب شگفتی شده است. برای مثال گفته شده «این توطئه با سبک ایران جور نیست». تاریخ ۳۲ ساله ایران هرگز پیوند علنی با یک توطئه قتل یا حمله به خاک ایالات متحده نداشته است. «گری سبک» هم اظهار داشت: «به سختی آن را باور کردنی می‌یابم. این توطئه، اگر واقعیت داشته باشد، از همه خط‌مشی‌ها و عملکردهای شناخته شده ایران دور می‌شود.» در اظهار نظر دیگری گفته شده با این اقدام، ایرانیان

فصل و راه جدیدی را گشودند که برخی از جنبه‌های آن را با «فعالیت‌های تروریستی گذشته» سازگار نیست. اظهار نظر دیگری این امر را مد نظر قرار می‌دهد اگر توطئه ادعا شده در کیفرخواست ۲۱ صفحه‌ای حقیقت داشته باشد، بر اساس استانداردهای نیروی قدس، عملکردی به غایت ضعیف به شمار می‌آید. همچنین گفته شده عناصری از طرح مانند نیت ادعا شده در مورد اینکه از یک کارتل مواد مخدر مکزیک برای قتل استفاده شود با شیوه ایرانیان «برای هدایت حملات تروریستی و اجرای آنها» مطابقت ندارد. (Katzman, 2011; Mackey, 2011a)

دوم، شکل ظاهری طرح. مدیر اف. بی. آی تصدیق کرد که گزارش ارایه شده در باره توطئه شبیه متن یک فیلم‌نامه هالیوودی است. (Mackey, 2011a; Rogin, 2011) در همین راستا گفته شده که توطئه اشاره شده بیش از حد خوب یا بد است که حقیقت داشته باشد (Mackey, 2011a) یا به نظر می‌آید مخلوط خیره کننده‌ای از مقدار زیادی درام و اندکی کم‌دی، یعنی خطرهای زیاد و دست آورد کم، باشد. (Toobin, 2011)

سوم، ایران بیش آنچه به دست آورد از دست می‌دهد. در این مورد از جمله اشاره شده: اگر اتهام‌ها حقیقت داشته باشد ایران فرصتی را به ایالات متحده می‌دهد تا در جهت سست بنیاد کردن آن کشور اقدام کند. چرا که مقامات ایالات متحده باور دارند رژیم ایران به طور ویژه آسیب پذیر است و این خبرها می‌تواند مخالفت بین‌المللی با رژیم ایران را تحریک کند. همچنین گفته شده اگر این اقدام موفقیت آمیز می‌شد پاسخ تلافی جویانه قوی ایالات متحده تحریم‌های بیشتر و انزوا در جامعه بین‌المللی را به دنبال می‌داشت. (Memcott, 2011)

چهارم، ایران آماج‌های بسیار آسان‌تری در قیاس با اقدام مستقیم علیه عربستان سعودی و ایالات متحده دارد. نیروی قدس مکرر متهم شده است علیه لشکریان ایالات متحده در عراق و افغانستان و علیه منافع عربستان در جاهایی مانند بحرین به جنگ نیابتی متوسل می‌شود. (Sayah, 2011)

پنجم، اقدامی نومیدانه مانند توطئه قتل در خاک ایالات متحده برای کشوری معنا دارد که مایوس از توجه است. ایران توانمند است و مایوس از اقدامات قوی نیست. (Sayah, 2011)

ششم، ۱۰۰۰۰۰ دلار نمی‌توانسته است مستقیم از ایران انتقال یافته باشد زیرا قوانین ایالات متحده اجازه نمی‌دهد. بنابراین پول باید از یک حساب در کشور دیگری آمده باشد که مقامات امریکایی نتیجه گرفتند در کنترل شخصی در ایران بوده است. (Mackey, 2011a)

هفتم، هدف قرار دادن سفیر عربستان امر خنده داری است. زیرا او قسمت اعظم وقت

خود را در عربستان می‌گذرانند، چرا که مترجم مورد علاقه زبان انگلیسی برای «ملک عبدالله» است. (Henderson, 2011)

هشتم، محل اجرا. رستوران مورد اشاره جایی است که طبق کیفرخواست تنظیم شده، سفیر «هفته‌ای دو بار» در آن غذا می‌خورد. در حالی که مشهور است «کافه میلانو» در «جرج تاون» یکی از پاتوق‌های مورد علاقه سفیر است. (Henderson, 2011)

نهم، «توطئه» مشحون از نقاط خالی است. در این مرحله سؤال‌هایی وجود دارد که تا پاسخ داده نشوند نمی‌توان نتیجه گرفت که آن را بلند پایگان حکومت ایران یا فرماندهان نیروی قدس طراحی کرده‌اند. وقتی پرسیده می‌شود آیا بلند پایگان حکومت ایران از آن آگاه بوده‌اند، دادستان کل می‌گوید: «در حال حاضر چنین ادعایی نداریم». (Sayah, 2011)

نکته‌ای که در مورد این ایرادها وجود دارد آن است که بسیاری از تحلیل‌گران به بیان‌های مختلف مطالب گفته شده به عنوان توطئه را در حد ادعا قرار داده‌اند که نیاز دارد به اثبات برسد. به هر حال ایرادهای بیان شده فضایی را به وجود می‌آورد که متقاعد ساختن مخاطب به وجود یک تهدید شدید نیازمند اقدام حاد و غیر معمول را بسیار مشکل می‌گرداند و کامل می‌تواند مانع از آن شود که قضیه مطرح شده به حد یک خطر امنیتی ارتقا یابد. یعنی اثر برانگیزنده گزاره‌ها نه تنها تقویت نشود بلکه فروکاهد و دست کم در نزد بعضی از مخاطبان بدل به کنش اجراوند نشود. با این حال بازهم استدلال‌هایی مطرح می‌شود که مقامات ایران باید از چنین توطئه آگاه بوده باشند بنابراین لازم است پاسخ‌گو نیز باشند.

۲.۱.۵. آگاهی و مسئولیت مقامات ایران

بر اساس تحلیل‌های مقامات و تحلیل‌گران امریکایی باید مقامات بلند پایه ایران نسبت به چنین طرحی آگاهی می‌داشتند. برای مثال «ری تیکیه» بعید می‌داند چنین عملیاتی بدون تأیید عالی‌ترین مقام به اجرا در آید. همچنین گفته شده به احتمال زیاد آگاهی از این عملیات در بالاترین رده حکومت وجود داشته است. به عقیده یک مقام کاخ سفید به نظر می‌رسد در سطوح بالای نیروی قدس، بازوی عملیاتی پنهان سپاه پاسداران انقلاب، اجازه این عملیات داده شده باشد. گفته می‌شود نیروی قدس مستقیم به رهبر گزارش می‌دهد. همچنین استدلال شده که در نظام حاکم بر ایران رهبر مرجع نهایی اقتدار است. هرگاه با پیشنهاد یا اقدامی موافق نباشد آن را منتفی می‌سازد؛ آنچه نیز علنی می‌شود تأیید ضمنی او را دارد. (Greenblatt, 2011)

این نکته نیز مطرح شده است که حتی اگر بالاترین رده حکومت از این طرح آگاه نبوده‌اند دست کم بخش‌هایی از حکومت می‌بایست از این طرح آگاه بوده باشند. آنگونه که دادستان و دیگر مجریان قانون ادعا کرده‌اند جناح‌هایی از حکومت ایران از توطئه قتل سفیر مطلع بوده و آن را تأیید کرده‌اند. (Memmott, 2011)

به هر حال به این نکته نیز توجه شده است که دستگاه‌های اطلاعاتی غربی هرگز یک دلیل غیرقابل انکار^۱ به دست نخواهند آورد؛ لذا این بحث را به وجود می‌آورد که توطئه اشاره شده را عاملان به تشخیص خود انجام داده‌اند یا خیر. برخی از تحلیل‌گران وجود این نوع اقدام را به طور کلی پذیرفته‌اند. برای مثال «کنت پولاک» مدیر سیاست خاورمیانه‌ای در مؤسسه بروکینگز می‌گوید: «نمونه‌هایی مانند بازداشت ۱۵ ملوان انگلیسی در آب‌های ایران در ۲۰۰۷ وجود دارد که در آن‌ها سپاه پاسداران به صوابدید خود عمل کرده است.» (Rubin, 2011; Greenblatt, 2011) به هر حال چنین وضعی نمی‌تواند رافع مسئول بودن ایران باشد. این نکته‌ای است که مقامات و تحلیل‌گران امریکایی بر آن تأکید گذاشته و ایران را مسئول «طرح توطئه ادعایی قتل سفیر عربستان در واشنگتن» دانسته‌اند. برای مثال اواما گفته است: «ایران باید پاسخ دهد که چرا کسانی در حکومت در چنین فعالیت‌هایی درگیرند. همچنین از آنجا که دولت ایران مسئول ایجاد، تجهیز و پشتیبانی از سپاه است باید پاسخ‌گوی اعمال آن نیز باشد.» (CNN Wire Staff, 2011; Iboden, 2011) برای برجسته ساختن هرچه بیشتر وجود چنین مسئولیتی مقامات امریکایی بر واقعی بودن ادعای طرح قتل سفیر عربستان و ضرورت مقابله با آن تأکید داشته‌اند.

منطق بحث مربوط به آگاهی و مسئولیت مقامات ایران آن است که طرح توطئه قتل سفیر عربستان که قرار بود به اجرا در آید نخست به طور کامل واقعی است. دوم، با توجه به توصیفی که از آن به عمل آمده چنان تهدیدی را در بر داشته که مقامات ایران یا به خاطر تأیید خود یا به واسطه جلوگیری نکردن از طراحی و اجرای احتمالی آن مسئولند و می‌بایست در حد خطری که به وجود می‌آورد با آنان برخورد شود. استفاده از مفاهیم حقوق بین‌الملل مانند مسئول بودن دولت‌ها به خاطر اعمال کارگزارانشان، که در این مورد بر اساس شرح ارائه شده، دست کم متوجه فردی از نیروی قدس می‌شود که مستقیم درگیر بوده، حتی اگر آنان بدون دستور، تأیید مقامات بالا یا خارج از حدود صلاحیتشان عمل کرده باشند در واقع برای کاستن از اثر ایرادها وارد شده به طرح است. در همین جهت بر واقعی بودن طرح و در نتیجه مقابله با طراحان و مجریان آن نیز تأکید شده.

1- smoking gun.

۲.۱.۶. واقعی بودن توطئه اعلام شده و ضرورت مقابله با طراحان و مجریان آن

به گفته اوباما، دادستان واقیتهای بسیار مشخصی را ارائه داده است. ایالات متحده اگر قادر نبود ادعای خود را ثابت کند قضیه را مطرح نمی‌کرد. بنابراین باید به ایران فهماند که هدف قرار گرفتن یک دیپلمات در واشنگتن قابل تحمل نیست. بدین منظور ضرورت دارد علامتی به ایران داده شود تا دریابد خطوط قرمزى وجود دارد که این دولت مجاز نیست از آن‌ها عبور کند. به علاوه تحلیل شده است که برای توجیه چنین پاسخی اهمیت ندارد قتل طراحی شده سفیر عربستان در حقیقت اتفاق افتاده باشد. همان طور که در ۱۹۹۳ ایالات متحده توطئه صدام برای قتل رییس جمهوری وقت ایالات متحده جرج بوش (پدر) را آشکار ساخت و حکومت کلبتون تلافی مقتضی را با حمله موشک‌های کروز علیه مرکز اطلاعاتی عراق انجام داد. (CNN Wire Staff, 2011) البته در شرایط کنونی پاسخ به اقدام صورت گرفته ضرورتاً از نوع اشاره شده در بالا نخواهد بود.

۲.۱.۷. اقدام‌های مورد نظر ایالات متحده

در این مورد نیز مقامات و تحلیل‌گران امریکایی انواع گوناگونی از اقدام را از دو بُعد راه کردی (تاکتیکی) و راهبردی مد نظر قرار داده‌اند که به طور خلاصه می‌توان چنین برشمرد:

- ۱) اعمال تحریم‌های سخت‌تر؛ برای مثال علیه بانک مرکزی ایران یا محدود ساختن فعالیت هواپیمایی ماهان و نفوذورزی (لابی) برای اعمال تحریم‌های جدید بین‌المللی و تشویق دیگر دولت‌ها با اعمال تحریم‌ها به صورت انفرادی. (Al-Oraibi, 2011)
- ۲) تا حد امکان انتشار اطلاعات محرمانه‌ای که مقامات رژیم ایران را مسئول این عمل نشان می‌دهند، به عنوان وسیله‌ای برای حمایت از تحریم‌های اضافی. (Cohen, 2011)
- ۳) امکان توسل به مقابله نظامی محدود. برای مثال اقدام پنتاگون به هدف قرار دادن بخش‌هایی از برنامه هسته‌ای ایران یا حمله به مراکز آموزشی سپاه. (Rubin, 2011; Iboden, 2011)
- ۴) در بعد راهبردی اولویت با استفاده از این رویداد برای تغییر در نیرویی است که علیه ایران به حرکت در آورده می‌شود. (Iboden, 2011)
- ۵) همچنین باید از این رویداد به عنوان مدرکی اضافی در جهت تقویت این استدلال استفاده شود که «چرا ایران نباید اجازه یابد توانایی سلاح هسته‌ای داشته باشد». برای همه اعضای سازمان ملل متحد روشن سازد که برنامه سلاح‌های هسته‌ای ایران تهدید

جدی برای ثبات جهانی دارد. اگر ایران غیر هسته‌ای طرح توطئه‌ای را آغاز کرده وقتی سلاح هسته‌ای داشته باشد چه خواهد کرد. (Iboden, 2011; Cohen, 2011).

۶) اصلاح رابطه ایالات متحده و عربستان سعودی در برابر ایران، باز گرداندن ترکیه در صف یاران ایالات متحده و تقویت حمایت از حکومت مشکل زده مکزیک. (Iboden, 2011)

۷) وارد آوردن فشار چند جانبه بر متحدان ایران مانند سوریه و وارد آوردن فشار به چین و روسیه برای وارد آوردن فشار به ایران در چند جبهه. (Iboden, 2011)

۸) استفاده از این رویداد برای صحبت کردن با متحدان و یاران و به حرکت در آوردن جامعه بین‌المللی برای منزوی ساختن هرچه بیشتر ایران از جمله در سازمان ملل متحد. (Ignatius, 2011)

۹) تشویق عربستان به اینکه مناسبات معاهداتی خود را با هر کشوری که از اعمال ضمانت‌های (تحریم‌های) سخت‌تر علیه ایران حمایت نمی‌کند، مجدد بررسی کند. اصرار به عربستان و دولت‌های خلیج فارس که در ایجاد سیاست‌های دفاعی و امنیتی منطقه‌ای هماهنگ، تهاجمی‌تر عمل کنند. (Cohen, 2011)

۱۰) افزایش اعمال فشار دیپلماتی و اقتصادی بر ایران. (Greenblatt, 2011)

۱۱) به پیش بردن موضوع از همه مجاری در دسترس اعم از روابط دوجانبه یا نهادهای دسته جمعی مانند اتحادیه اروپا یا سازمان ملل متحد. نمونه‌ای از آن ارسال نامه اعتراضی به ملل متحد است که نخستین گام در آغاز یک موضع‌گیری بین‌المللی علیه توطئه ایران محسوب شده است. در راستای تحقق این موضع‌گیری، ایالات متحده می‌کوشد پیش از درخواست رسیدگی از شورای امنیت حمایت تعداد هرچه بیشتری از کشورها به ویژه اعضای دائم این شورا را به دست آورد. در مورد استفاده از روابط دوجانبه برای تحقق موضع‌گیری بین‌المللی علیه ایران، برای مثال می‌توان به اقدام وزارت امور خارجه برای فرستادن نمایندگان به روسیه جهت ارایه جزییات بیشتر در باره توطئه قتل اشاره کرد. (Al-Oraibi, 2011; Cohen, 2011)

۱۲) هر چند احتمال ندارد دستگاه حکومتی اوپاما متوسل به اقدام نظامی علیه ایران شود (Greenblatt, 2011) شدت این تهدید به اندازه کافی مهم است که دست کم یک تلافی فعالانه را در میان گزینه‌های مختلف در نظر داشته باشیم. به طور کلی مجموعه راه‌های ارایه شده نشان می‌دهد از نظر مقامات و تحلیل‌گران امریکا تهدید «توطئه» علنی شده از چنان درجه بالایی برخوردار است که اقدام‌های فوق‌العاده برای مقابله با آن را می‌طلبد. به هر حال هرچه محیط برای قبول ضرورت مقابله با مسبب اصلی شکل گرفتن «طرح توطئه» مساعدتر باشد، اقدام‌های اشاره شده در بالا بیشتر قرین موفقیت

خواهد بود. یعنی اثر بیشتری در جهت کنش اجراوند خواهند داشت. یکی از راه‌های به وجود آوردن چنین محیطی توسل به باورها و احساسات مردم است. در واقع تا اینجا به تلاش‌های کنشگر امنیتی ساز در ارایه شرحی از قضیه پرداخته شده که بشود با وجود ایرادهای وارد بر آن چنان تصویری عرضه کرد که تهدید امنیتی بودن طرح توطئه ادعایی پذیرفتنی باشد؛ تا بتوان بر اساس آن شیوه‌های غیر معمول مقابله با آن را ضروری جلوه داد. اما بحث‌های بعد مخاطب یعنی کنشگرانی مورد توجه هستند که اقداماتشان آثار مهمی برای مقابله با تهدید امنیتی و ایجاد امنیت دارد.

۲.۲. اثر این اقدام‌ها بر دیگر دولت‌ها و نتیجه حاصل از آن.

در این بخش میزان اثر بیان‌های کنشگر امنیتی ساز بر مخاطبان با بحث توسل به باورها و احساسات مردم آغاز می‌شود و پس از بررسی واکنش عربستان سعودی، اثر عملکرد ایران و درک عربستان و اسرائیل نسبت به این عملکرد، اثر تلاش ایالات متحده برای متقاعد کردن دیگر دولت‌ها، پیوند «توطئه» با فعالیت‌های هسته‌ای ایران، با توجه سازمان ملل متحد به موضوع خاتمه می‌پذیرد.

۲.۲.۱. توسل به باورها و احساسات مردم

این اقدام از چند وجه مورد توجه قرار گرفته است. یکی، استفاده از باورهای ایمانی مردم و آن هنگامی است که گفته می‌شود «به دنبال مورد اخیر توطئه رو به رو شدن کشیش ایرانی با حکم اعدام تنها به خاطر ایمان مسیحی خود، این توطئه مدرک دیگری فراهم می‌آورد برای بدخواهی چند وجهی رژیم ایران.» (Iboden, 2011) وجه دیگر آن تأکید بر سبیت کسانی است که «این توطئه را طراحی کرده و می‌خواسته‌اند به اجرا درآورند». برای مثال اواما آن را «بخشی از الگوی رفتار خطرناک و بی ملاحظه حکومت ایران» دانست. (CNN Wire Staff, 2011) «این رفتار خطرناک و بی ملاحظه» به گفته دادستان بخش نیویورک «اولین مورد از یک سلسله حملات خونبار» بود (Rogin, 2011) و وزارت دادگستری و اف. بی. آی اظهار داشتند «مجرمان اعتنا یا توجهی به لطمه‌های توده‌ها در اثر حمله طراحی شده نداشتند.» (U.S. Department of Justice and The FBI, 2011) «کوردزمن»، تحلیلگر دفاعی در مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی نیز آن را کشتار جمعی توصیف می‌کند که فقط دیپلمات‌ها را در بر نمی‌گرفت؛ بلکه «امریکاییان بی‌گناه» را هم شامل

می‌شد. (Greenblatt, 2011) همچنین اشاره شده «شهادت‌ها حکایت از آن دارد که کارگزاران ایرانی تلفات زیاد امریکاییان را خسارت جنبی قابل قبول تلقی کرده‌اند». (Ghitis, 2011) این موارد که هدف از بیان آن‌ها ایجاد فضایی است که در آن مخاطب ضرورت اقدام‌های غیر معمول و شدید را نه تنها بپذیرد بلکه احساس کند، بیشتر مردم عادی، به ویژه مردم امریکا، را هدف قرار می‌دهند. برای همراه ساختن دولت‌های دیگر از روش‌های دیگری استفاده شده است. در این میان عربستان سعودی به دلیل ارتباط ویژه‌اش با موضوع جایگاه خاصی یافته است.

۲،۲،۲. واکنش عربستان سعودی

یک هفته پیش از علنی شدن وجود طرح توطئه قتل سفیر عربستان سعودی وزیر کشور آن هشدار داده بود که شیعیان سعودی «به دستور یک کشور خارجی» (رمزی برای ایران) اغتشاش نکنند و قول داد که عربستان سعودی برای حفظ «امنیت و ثبات» پادشاهی، به ناراضیان «با مشت آهنین ضربه می‌زند». چند روز قبل از آن در ۱ اکتبر «ملک عبدالله» و سفیر عربستان در ایالات متحده با مشاور امنیت ملی ایالات متحده برای بحث در باره «تعدادی موضوعات مورد علاقه متقابل» ملاقات کردند. (Henderson, 2011) با توجه به دستگیر شدن «اریاب سیر» در تاریخ ۲۰ سپتامبر می‌توان حدس زد که یکی از «موضوعات مورد علاقه متقابل» طرح مورد بحث باشد. به ویژه که روز بعد از علنی شدن موضوع در ۱۲ اکتبر، اوپاما و پادشاه عربستان مجدد بر تعهد مشترکشان برای دنبال کردن یک پاسخ بین‌المللی متحد تأکید کردند. (The White House, 2011) نماینده عربستان در ملل متحد سه روز بعد در ۱۵ اکتبر، یک نامه اعتراضی رسمی را به دبیرکل این سازمان داد که با آن نگرانی ژرف و خشم این دولت به «اطلاع شورای امنیت» برسد. دبیرکل نامه اعتراضی رسمی دیگری را هم از ایالات متحده دریافت کرد که تلاش برای به قتل رساندن سفیر عربستان را به اطلاع ملل متحد می‌رساند (Al-Oraibi, 2011) که می‌تواند نشان دهنده آمادگی قبلی آن دولت باشد. البته این آمادگی بر اساس زمینه‌ای به وجود آمده بود که طی سال‌های متمادی شکل گرفته بود و در بحث سابقه اقدامات ایران به مواردی اشاره شد که در شکل گرفتن این زمینه مؤثر بوده‌اند.

۲،۲،۳. اثر عملکرد ایران و درک عربستان و اسرائیل نسبت به آن

به گفته تحلیل‌گران یک رقابت راهبردی بین عربستان و ایران وجود دارد. این دو

در سراسر خاورمیانه بایکدیگر رقابت دارند و از گروه‌های رقیب در کشورهایمانند عراق، بحرین و لبنان حمایت می‌کنند. بنابراین در طول سه دهه گذشته روابط خوبی با یکدیگر نداشته‌اند. (Nasr, 2011a) همچنین گفته شده هدف‌های سیاست خارجی ایران پس از انقلاب همواره یکسان بوده که عبارت است از: دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای برای سلطه بر منطقه، حمایت از شکل گرفتن حکومت مطلوب خود در کشورهای منطقه مانند یمن، لبنان، مصر، نوار غزه، عراق و بحرین، بیرون راندن ایالات متحده از خلیج فارس و خاورمیانه، حمایت از سازمان‌هایی مانند حماس و حزب الله، کار کردن با متحدانش در منطقه برای نابود ساختن اسرائیل، خرابکاری در هر اقدام و واشنگتن برای برقراری روابط دیپلماتیک عادی، خرابکاری در هر راه حل برای اختلاف اعراب و اسرائیل و استفاده از هر وسیله ممکن برای سرنگون ساختن عربستان سعودی. (Sobhani, 2011)

برخوردهای فرقه‌ای داخلی ایران در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۶ (۲۰۰۶ - ۲۰۰۷) نیز بعد دیگری بر رقابت‌های منطقه‌ای دو دولت اضافه کرد و آن حمایت ایران و عربستان به ترتیب از شیعیان و سنیان در لبنان، سوریه، بحرین، یمن و پاکستان بود. این رقابت‌ها روابط دو طرف را تیره کرده و به جنگ سردی بین دو دولت شکل داده است. بنابراین عربستان ایران را تهدیدی برای ثبات خود و خلیج فارس و رقیبی برای رهبری جهان اسلام می‌بیند. (Sobhani, 2011) این مجموعه با توجه به رقابت اشاره شده زمینه مساعدی را برای درک خاص از «طرح توطئه قتل سفیر عربستان» فراهم می‌آورد؛ لذا این طرح توطئه برای عربستان معنا دار می‌شود و تنش از پیش موجود بین دو دولت را که در نقطه جوش بود وخیم‌تر می‌گرداند. (Katzman, 2011; Memmott, 2011) با توجه به این پیش زمینه طبیعی به نظر می‌رسد که عربستان سعودی شرح امریکا از قضیه را بپذیرد و وضعیت را امنیتی تشخیص بدهد که ضرورت دارد برای مقابله با آن اقدام‌های غیر عادی و شدید مانند توسل به سازمان ملل متحد صورت گیرد.

علاوه بر عربستان که در این توطئه ادعای درگیری مستقیم دارد، اسرائیل نیز مطرح است. سال‌هاست که علاوه بر ایالات متحده، اعراب و قسمت اعظم دولت‌های غربی، اسرائیل نیز در باره فعالیت‌های هسته‌ای ایران ابراز نگرانی می‌کند. (Ghitis, 2011) بنابراین آنچه در شرح اجزاء توطئه ادعایی درباره حمله احتمالی به سفارتخانه‌های اسرائیل در واشنگتن و بوئنوس آیرس گفته شد می‌توانسته است برای این دولت نیز معنادار باشد. به همین خاطر سفیر این دولت در ایالات متحده گفت: «اسرائیل» توطئه خنثی شده علیه

سفیر عربستان در ایالات متحده و امکان اینکه سفارت اسرائیل نیز یک هدف جدی باشد را به طور یقین یک اوج‌گیری وخامت می‌داند. او ایران را مسئول بمب‌گذاری در سفارت اسرائیل و یک مرکز جامعه یهودی در بوئنوس آیرس دانست. همچنین این موضوع را به فعالیت‌های هسته‌ای ایران پیوند داد و گفت: «ایران همه اینکارها را بدون سلاح هسته‌ای می‌کند. تصور کنید اگر سلاح هسته‌ای می‌داشت چه می‌توانست بکند.» (Mozgovaya, 2011)

اما در نزد دولت‌های دیگر چنین آمادگی مشاهده نشد و باورمند کردن وجود چنین توطئه‌ای ضرورت پیدا کرد.

۲،۲،۴. اثر تلاش ایالات متحده برای متقاعد کردن دیگر دولت‌ها

در جهت متقاعد کردن دیگر دولت‌ها ایالات متحده اعلام کرد آگاهی‌های تخصصی به مقاماتی می‌دهد که خواهان اطلاعات بیشتر درباره ادعای توطئه هستند. از جمله این مقامات وزیر امور خارجه روسیه است. گروه‌های تخصصی آگاهی دهنده به چین، ترکیه و روسیه و شاید دیگر کشورها می‌روند. هدف از این اطلاع‌رسانی آن است که به گفته اوباما یاران بین‌المللی ایالات متحده بپذیرند ضرورت دارد اقدام‌هایی به عمل آید که تضمین کند ایران بهای یک چنین توطئه ادعایی را می‌پردازد. (CNN Wire Staff, 2011)

واکنش‌ها نسبت به این اقدام و هدفی که اوباما دنبال می‌کرد متفاوت بود. برای مثال وزیر امور خارجه روسیه ضمن ابراز نگرانی از «توطئه قتل» گفت اطلاعات در دسترس را مطالعه می‌کند. همچنین اظهار داشت معتقدیم اقدام متقابل مؤثر علیه تهدید تروریستی در همکاری بین‌المللی نهفته است و برای رسیدن به آن آماده همکاری با همه کشورها هستیم. (2011, "Iran's Quds force behind Saudi ...") در مقابل رییس جمهوری فرانسه اظهار نگرانی عمیق کرد و گفت: «غرب باید ضمانت اجراها علیه ایران را سخت‌تر کند... امریکاییان اطلاعات بسیار دقیقی را به ما داده‌اند که معتبر بودن این مطلب را نشان می‌دهد». در برابر این پرسش که اگر ایرانیان بخواهند مقابله کنند چه باید کرد اظهار داشت عناصر مشخصی وجود دارد که ما را به اندیشیدن وا می‌دارد. (2011, "Sarkozy for tighter Iran sanctions ...")

خرانه داری بریتانیا دستور مسدود کردن دارایی‌های پنج نفر را صادر کرد که با «توطئه ادعایی ایرانیان برای قتل سفیر عربستان در ایالات متحده» ارتباط داشتند و وزیر امور خارجه بریتانیا این «توطئه» را وخیم‌تر شدن عمده حمایت ایران از تروریسم در خارج از مرزهایش دانست. او گفت تماس نزدیک با مقامات امریکایی دارد و برای دادن یک

پاسخ بین‌المللی کار خواهد کرد. (2011, "UK Freezes Assets in Iranian ...") اتحادیه اروپا نیز تحریم‌هایی را بر پنج نفر تحمیل کرده که با «توطئه ادعایی ایرانیان برای قتل سفیر عربستان در واشنگتن» ارتباط داشتند. رییس سیاست خارجی اتحادیه نیز گفت: «اگر» توطئه موفق می‌شد نقض جدی حقوق بین‌الملل می‌بود و پی آمدهای جدی بین‌المللی می‌داشت. (2011, "EU imposes sanctions on ...")

سخنگوی وزارت امور خارجه چین در یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت از گزارش مربوط و واکنش همه طرف‌ها اطلاع یافته‌ایم. چین معتقد است در مناسبات بین‌دولتی باید از حقوق بین‌الملل و هنجارهای پایه‌ای حاکم بر مناسبات بین‌المللی پیروی کرد. امیدواریم دولت‌های مربوط موضوع را به نحو مقتضی با مذاکره حل کنند. (Foreign Ministry Spokesperson, 2011)

بحرین، کویت، عمان، قطر و امارات متحده عربی «توطئه ادعایی» را برای روابط ایران و کشورهای خلیج فارس به شدت زیانبار دانستند. اردن آن را به شدت محکوم کرد. (Washington to persuade, 2011) به این ترتیب کشورهای عرب خلیج فارس همچنین اردن موضع تندی نسبت به آن اتخاذ کرد. فرانسه، بریتانیا و اتحادیه اروپا نیز واکنش تندی نشان دادند که به حد مسدود کردن دارایی‌های اشخاص نیز رسید. حاصل آنکه این دسته از مخاطبان امنیتی سازی ایالات متحده آمادگی آن را داشتند که اطلاعات ارایه شده را در حدی ببینند که ضرورت اقدام غیر معمول را توجیه کند. یعنی وضعیت را یک تهدید امنیتی تلقی کنند. در مقابل دولت‌های روسیه و چین چنین برداشتی از اطلاعات ارایه شده پیدا نکردند و موضع‌گیری‌شان نشان می‌دهد وضعیت را در حد یک تهدید امنیتی نمی‌شناسند. حتی پیوند داده شدن با فعالیت‌های هسته‌ای ایران نیز نتوانست اثر گذار باشد.

۲,۲,۵. پیوند «توطئه» با فعالیت‌های هسته‌ای ایران

در بحث شیوه‌های مورد نظر ایالات متحده برای مقابله با «طرح توطئه»، تحلیل‌گران اعلام کردند که باید از این رویداد به عنوان مدرکی اضافی در جهت تقویت این استدلال استفاده شود که چرا ایران نباید اجازه یابد توانایی سلاح هسته‌ای داشته باشد و برای همه اعضای سازمان ملل متحد روشن ساخت که برنامه سلاح‌های هسته‌ای ایران تهدید جدی برای ثبات جهانی دارد. اگر ایران غیر هسته‌ای طرح توطئه‌ای را آغاز کرده چنانچه سلاح هسته‌ای داشته باشد چه خواهد کرد؟ (Cohen, 2011; Iboden, 2011)

با توجه به موضع‌گیری‌های برخی از دولت‌ها پس از گزارش مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز «توطئه» مطرح شده نتوانست نقشی را که برایش در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای ایران در نظر گرفته بودند ایفا کند؛ زیرا هیچ دولتی توسل به زور در مقابل ایران را دست کم به عنوان گزینه فوری نپذیرفت. برای مثال روسیه هشدار داد حمله نظامی به ایران اشتباه خطرناکی خواهد بود و گفت روسیه به شدت مخالف اقدام نظامی علیه ایران است و از تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران در مورد برنامه هسته‌ای ایران حمایت می‌کند. سخنگوی وزارت خارجه چین اظهار داشت پکن به شدت مخالف استفاده از زور است. وزیر امور خارجه فرانسه گفت تحریم‌ها باید سخت‌تر شوند اما هرکاری را باید انجام داد تا از برخورد نظامی اجتناب شود. وزیر امور خارجه آلمان خواهان فشار سیاسی و دیپلماتی بیشتر شد. هرچند رییس جمهوری اسرائیل گفت وارد آوردن ضربه به ایران هرچه بیشتر محتمل می‌شود، اما وزیر دفاع گفت جنگ گردش نیست ما گردش می‌خواهیم نه جنگ. (Russia, Europe, China ..., 2011)

این موضع‌گیری‌ها نشان می‌دهد که به «توطئه قتل سفیر عربستان» در حد یک ادعا توجه شده و حتی نتوانسته است به عنوان پشتیبان مقابله با برنامه هسته‌ای اثر بگذارد. با توجه به آنچه گفته شد آیا می‌شد انتظار داشت نامه‌های اعتراضی عربستان و ایالات متحده به بررسی موضوع در شورای امنیت بیانجامد؟

۲.۲.۵. توجه سازمان ملل متحد

همان طور که پیش‌تر اشاره شد نماینده عربستان در سازمان ملل متحد در ۱۵ اکتبر یک نامه اعتراض رسمی را به دبیرکل ملل متحد داد که با آن نگرانی ژرف و خشم این دولت به «اطلاع شورای امنیت» برسد، ایالات متحده هم نامه‌ای به دبیرکل داده بود که در آن تلاش برای به قتل رساندن سفیر عربستان را به اطلاع ملل متحد می‌رساند. به علاوه ایالات متحده تلاش کرد از این طرح به منظور جلب متحدان و یاران و به حرکت در آوردن جامعه بین‌المللی برای منزوی ساختن هرچه بیشتر ایران از جمله در سازمان ملل متحد استفاده کند. (CNN Wire Staff, 2011)

با توجه به اینکه اتفاق نظر در میان اعضای شورای امنیت به ویژه اعضای دائم آن بر سر تهدید امنیتی بودن قضیه اطلاع داده شده به شورای امنیت وجود نداشت، نمی‌شد انتظار داشت در آن وضعیت شورای امنیت آماده بررسی موضوع و اتخاذ تصمیم در باره آن حتی در چارچوب

فصل ششم منشور باشد. یعنی بر اساس بند ۲ ماده ۳۳ منشور از طرف‌های اختلاف بخواهد اختلاف خود را به راه‌های مسالمت آمیز اشاره شده در بند ۱ این ماده حل و فصل نمایند یا بر طبق بند ۱ ماده ۳۶، خود روش‌های یا ترتیب‌های حل و فصل مناسب را توصیه کند. اقدام بعدی عربستان را نیز بر همین مبنا می‌توان توضیح داد. این دولت پیش‌نویس قطعنامه‌ای را در سازمان ملل توزیع کرد. سخنگوی ایالات متحده نیز اظهار داشت نماینده این دولت در سازمان ملل از طرح قطعنامه عربستان حمایت می‌کند و یکی از دولت‌هایی خواهد بود که آن را ارایه خواهند داد. (2011, "Saudis urge UN ...") آیا با توجه به آنکه شورای امنیت پیش از آن مطلع شده است این اقدام عربستان با مقررات منشور مغایرت نداشت؟ بر اساس ماده ۱۰ منشور، مجمع عمومی می‌تواند هر مسئله یا امری که مربوط به اختیارات و وظایف هر یک از ارکان ملل متحد باشد را مورد بحث قرار دهد و جز در مورد مذکور در ماده ۱۲ ممکن است به اعضای سازمان ملل متحد یا به شورا یا به هر دو توصیه‌هایی بکند. بنابراین مجمع می‌توانست موضوع «توطئه قتل سفیر عربستان» را مورد بحث قرار دهد. اما آیا می‌توانست آنگونه که مد نظر عربستان بود تصمیم حتی غیر الزام آور اتخاذ کند؟ ماده ۱۰ تنها مانع مجمع عمومی برای چنین کاری را مورد مذکور در ماده ۱۲ ذکر می‌کند. بر اساس بند ۱ ماده اخیر تا زمانی که شورای امنیت در مورد هر اختلاف یا وضعیت، در حال انجام وظایفی است که در منشور بدان محول شده مجمع عمومی در مورد آن اختلاف هیچ گونه توصیه‌ای نخواهد کرد. از آنجا که موضوع هنوز به طور رسمی در شورای امنیت مطرح نشده و در نتیجه در حال انجام وظیفه در مورد آن نبود، مجمع عمومی می‌توانست توصیه‌هایی به دولت‌های طرف این اختلاف بکند که در واقع نظر ۱۹۳ عضو ملل متحد را منعکس سازد. (2011, "Saudis urge UN ...")

بر همین مبنا پیش‌نویس قطعنامه در مجمع عمومی به رأی گذاشته و با ۱۰۶ رأی موافق، ۹ مخالف و ۴۰ ممتنع در ۱۸ نوامبر به تصویب مجمع رسید و در آن از ایران خواسته شد مسئولان طراحی و تلاش برای اجرای قتل سفیر این دولت در واشنگتن را مورد پی‌گرد قانونی قرار دهد. (UN, GA, 2001)

نتیجه‌گیری

همان‌طور که اشاره شد نظریه امنیتی سازی بر پایه نظریه کنش گفتاری قرار دارد که به موجب آن برخی گزاره‌ها بیش از صرف توصیف یک واقعیت معین هستند و نمی‌توان

دربارهٔ راست و دروغ بودن آن‌ها قضاوت کرد. این گزاره‌ها کاری انجام می‌دهند. بررسی آنچه در بارهٔ «طرح توطئه قتل سفیر عربستان در ایالات متحده» گفته شد نشان می‌دهد این گزاره‌ها تنها یک امر واقع را بیان نمی‌کردند. برای مثال اینکه گفته شد دستگاه‌های اطلاعاتی غربی هرگز یک دلیل غیرقابل انکار به دست نخواهند داد که مقامات بلندپایه ایران از آن آگاه بوده‌اند، نشان از آن دارد که نمی‌توان در بارهٔ راست و دروغ بودن دست کم پاره‌ای از این گزاره‌ها قضاوت کرد.

به علاوه اشاره شد در نظریه کنش گفتاری هر جمله سه کار را انجام می‌دهد که در مجموع وضعیت کنش گفتاری را پدید می‌آورند: «کنش احرازوند» که حاوی یک مفهوم و ارجاع معین است؛ «کنش اجراوند» که با گفتن چیزی یک عمل به اجرا در می‌آید؛ و «کنش برانگیزنده» که به آثار بعدی یا پی‌آیندهایی مربوط می‌شود که هدفشان برانگیختن احساسات، باورها، اندیشه‌ها مخاطب مورد نظر است. نشان داده شد که در معرفی این توطئه پاره‌ای از گزاره‌ها مانند آنچه رویداد را معرفی می‌کردند حاوی یک مفهوم معین بودند، برخی دیگر مانند آنچه در ایرادهای طرح یا مقابله با آن گفته شد جنبه اجراوند هم به صورت منفی یعنی نبود ضرورت اقدامی برای مقابله و هم به شکل اقدام در جهت مقابله یافتند. از جمله می‌توان به موضع‌گیری‌های دولت‌ها به صورت محکوم کردن آن و ضرورت اتخاذ اقدام شدید و حتی دست یازیدن به اقدام‌هایی مانند مسدود کردن دارایی‌های پنج نفر از افرادی اشاره کرد که گفته می‌شود با این طرح و اجرای آن مرتبط بودند. در مقابل برخی از دولت‌ها مانند روسیه و چین بیانی داشتند که مبادرت به اقدام حاد را تأیید نکرد که در عین حال جنبه برانگیزندگی را نیز نشان می‌دهد. البته پیش‌تر نیز اشاره شده برخی از گزاره‌ها نیز برای ایجاد پی‌آمدهای بعدی بیان شدند، مانند آنچه به منظور برانگیختن احساسات مخاطبان گفته شد.

بررسی انجام شده حکایت از آن دارد که کنش گفتاری در مورد این «طرح توطئه» در برخی موارد موفق بوده و در پاره‌ای از موارد نبوده است. چرا که برخی از مخاطبان و در رأس آن‌ها عربستان سعودی آن را تهدیدی امنیتی دانستند و موضع‌گیری‌های تنیدی در برابر آن داشتند و حتی به اقدامی مانند ارسال نامه اعتراضی برای شورای امنیت ملل متحد و مسدود کردن دارایی‌های برخی افراد دست یازیدند؛ اما از نظر برخی دیگر مانند روسیه و چین تهدید مطرح شده جنبه امنیتی نیافت.

به هر حال این کنش کنشگر امنیتی ساز، یعنی ایالات متحده به آن اندازه موفق نبود که

به تهدید امنیتی قابل بررسی در شورای امنیت شکل بدهد. همانطور که موارد برشمرده به عنوان سابقه عملگری دولت ایران چنین کیفیتی را نیافته‌اند و از راه‌های قانونی دیگر دنبال شده‌اند، می‌توان انتظار داشت با این قضیه نیز همان گونه برخورد شود. در واقع این مورد هم به فهرست ارایه شده اضافه گردد تا در موارد احتمالی دیگر همان نقشی را داشته باشد که فهرست کنونی ایفا می‌کند.

منابع:

1. Al-Oraibi, Mina, 2011, "Saudi Arabia takes assassination plot to the UN," Asharq Al-Awsat, October, 16, <<http://www.asharq-e.com/news.asp?section=1&id=26964>> 11.07.2011
2. Aras, Bülent and Rabia Karakaya Polat, 2008 «From Conflict to Cooperation: Desecuritization of Turkey's Relations with Syria and Iran», Security Dialogue, vol. 39, No. 5, (October), pp. 495-515.
3. Åtland, Kristian 2008 "Mikhail Gorbachev, the Murmansk Initiative, and the Desecuritization of Interstate Relations in the Arctic", Cooperation and Conflict, Vol. 43, No. 3, pp. 289-311.
4. Åtland, Kristian and Kristin Ven Bruusgaard, 2009 "When Security Speech Acts Misfire: Russia and the Elektron Incident", Security Dialogue vol. 40, No. 3, (June). pp. 333-354.
5. Balzacq, Thierry, 2005, "The Three Faces of Securitization: Political Agency, Audience and Context", European Journal of International Relations, Vol. 11, No. 2, pp. 171-201.
6. Balzacq, Thierry, ed., 2011, Securitization Theory: How Security Problems Emerge and Dissolve, London: Routledge.
7. Buzan, Barry, 1997 "Rethinking Security after the Cold War", Cooperation and Conflict, Vol. 32, No. 1, pp. 5-28.
8. Buzab, Barry and Lene Hansen, 2009, The Evolution of International Security Studies, Cambridge: Cambridge University Press.

9. Buzan, Barry and Ole Wæver, 1997 “Slippery? Contradictory? Sociologically Untenable? The Copenhagen School Replies”, *Review of International Studies*, Vol. 23, pp. 241–250
10. C. A. S. E., 2006 (Critical Approaches to Security in Europe) COLLECTIVE, “Critical Approaches to Security in Europe: A Networked Manifesto”, *Security Dialogue*, vol. 37, no. 4 (December), pp. 443-487.
11. Clinton, Hillary Rodham, (Secretary of State) 2010a, “Remarks at Dar Al-Hekma College Town Hall,” US Department of State, February 16, <<http://www.state.gov/secretary/rm/2010/02/136789.htm>> 11.05.2011
12. CNN Wire Staff (Barbara Starr, Mick Krever, Mitra Mobasherat, Jill Dougherty, and Joe Sterling), 2011, “U.S. official: ‘Multiple’ sources strengthen case against Iran”, CNN, October 14, <<http://www.cnn.com/2011/10/13/world/meast/iran-saudi-plot/index.html?iref=obnetwork>> 11.05.2011
13. Cohen, William S., 2011, “What U.S. should do about Iran”, CNN, October 21, <<http://www.cnn.com/2011/10/13/opinion/cohen-iran-options/index.html?iref=obnetwork>> 11.05.2011
14. Collins, Alan, 2010, *Contemporary Security Studies*, 2nd ed., Oxford: Oxford University Press.
15. Collins, Alan, 2005, “Securitization, Frankenstein’s Monster and Malaysian Education”, *Pacific Review*, Vol. 18, No. 4, pp. 565-86.
16. “EU imposes sanctions on five over assassination plot,” 2011, France24, October 21, <<http://www.france24.com/en/20111021-eu-sanctions-five-assassination-plot-saudi-ambassador-washington>> 11.17.2011
17. Fassihi, Farnaz, 2011, “Iran Seen Pressed by Nuclear Report” *Wall Street Journal*, November 12, <http://online.wsj.com/article/SB10001424052970204358004577032114158320558.html?mod=WSJASIA_hpp_MIDDLESecondNews> 11.13.2011
18. Foreign Ministry Spokesperson, 2011 “Liu Weimin’s Regular Press

Conference,” October 14, Embassy of the People’s Republic of China in Sweden, 2011/10/15 , <<http://www.chinaembassy.se/eng/fyrth/t868322.htm>> 11.17.2011

19. Ghitis, Frida, 2011, “What if the terror plot had succeeded?” CNN, October 12, <<http://www.cnn.com/2011/10/12/opinion/ghitis-plot-consequences/index.html?iref=obinsite>> 11.05.2011

20. Greenblatt, Alan, 2011, “U.S. Drawn Into Long-Running Iran-Saudi Feud”, NPR (National Public Radio), October 11, <<http://www.npr.org/2011/10/11/141248484/u-s-drawn-into-long-running-iran-saudi-feud?ps=rs>> 11.05.2011

21. Henderson, Simon, 2011, “The Iranian-Saudi cold war Heats up”, Foreign Policy, October 11, <http://blog.foreignpolicy.com/posts/2011/10/11/the_iranian_saudi_cold_war_heats_up> 11.05.2011

22. Higashino, Atsuko, 2004 “For the Sake of ‘Peace and Security’?: The Role of Security in the European Union Enlargement Eastwards”, Cooperation and Conflict, Vol. 39, No, 4, pp. 347–368.

23. Iboden, Will, 2011, “The Iran plot: How should the U.S. retaliate?” Foreign Policy, October 12, <http://shadow.foreignpolicy.com/posts/2011/10/12/the_iran_plot_how_should_the_us_retaliate?wpisrc=obnetwork> 11.05.2011

24. “If Iran Gets the Bomb: The world immediately becomes a far more dangerous place,” 2011, Wall Street Journal, November 11, <<http://online.wsj.com/article/SB10001424052970204224604577027842025797760.html?KEYWORDS=assassination+plot>> 11,13,2011

25. Ignatius, David, 2011, “What Iran’s alleged terror plot tells us,” The Washington Post, October 11 <http://www.washingtonpost.com/blogs/post-partisan/post/what-irans-alleged-terror-plot-tells-us/2011/10/11/gIQA18kRdL_blog.html?hpid=z2> 11.06.2011

26. “Iran Denies Involvement in Plot to Kill Saudi Arabian Ambassador,” 2011, Associated Press, October 11, <<http://www.foxnews.com/world/2011/10/11/iran-denies-involvement-in-plot-to-kill-saudi-arabian-ambassador/>> 11.15.2011

27. “Iran’s Quds force behind Saudi diplomat murder plot - White House,”

2011, RIA Novosti, October 13, <<http://en.rian.ru/world/20111013/167636915.html>> 11.17.2011

28. Katzman, Kenneth, 2011, "Mounting Questions on Iran Terror Plot", (Interview), CRF (Council on Foreign Relations), October 13, <<http://www.cfr.org/iran/mounting-questions-iran-terror-plot/p26185>> 11.05.2011

29. McDonald, Matt, 2008 "Securitization and the Construction of Security", European Journal of International Relations, Vol. 14, No. 4, pp. 563-587.

30. Mackey, Robert, 2011a, "Some Experts Question Iran's Role in Bungled Plot", The New York Times, October 12, <<http://thelede.blogs.nytimes.com/2011/10/12/iran-experts-ponder-an-alleged-terror-plots-b-movie-qualities/>> 11.05.2011

31. Memmott, Mark, 2011, "Alleged Terror Plot: "Brazen And Bizarre", NPR (National Public Radio), October 12, <<http://www.npr.org/blogs/thetwo-way/2011/10/12/141260938/alleged-terror-plot-brazen-and-bizarre?ps=rs>> 11.05.2011

32. Mozgovaya, Natasha, 2011, "Michael Oren: Israel taking Iranian assassination plot seriously," October 13, <<http://www.haaretz.com/news/diplomacy-defense/michael-oren-israel-taking-iranian-assassination-plot-seriously-1.389675>> 11.18.2011

33. Nasr, Vali, 2011, "If true, Iran plot a giant, dangerous error", CNN, October 12, <<http://www.cnn.com/2011/10/12/opinion/nasr-iran-plot/index.html?iref=obnetwork>> 11.05.2011

34. Neal, Andrew W., 2006 "Foucault in Guantánamo: Towards an Archaeology of the Exception", Security Dialogue vol. 37, No. 1, (March). pp. 31-46.

35. Oelsner, Andrea, 2007 "Friendship, Mutual Trust and the Evolution of Regional Peace in the International System", Critical Review of International Social and Political Philosophy, Vol. 10, No. 2, (June), pp. 257-279.

36. Payne, Ed, 2011, "Friend: Man accused in Saudi assassination plot likes to be called 'Jack'," CNN, October 12, <<http://edition.cnn.com/2011/10/12/us/>

iran-saudi-plotter-profile/index.html> 11.06.2011

37. Pereira, Ricardo, 2008 “Processes of Securitization of Infectious Diseases and Western Hegemonic Power: A Historical-Political Analysis”, *Global Health Governance*, Vol. II, No. 1 (Spring), pp. 1-15.

38. Richman, Sheldon, 2009, “Terrorism Is a Crime,” *The Future of Freedom Foundation*, June 2, <<http://www.fff.org/comment/com0906b.asp>> 11.13.2011

39. Rogin, Josh, 2011, “More actions against Iran coming soon in response to terror plot”, *Foreign Policy*, October 11, <http://thecable.foreignpolicy.com/posts/2011/10/11/more_actions_against_iran_coming_soon_in_response_to_terror_plot?wpisrc=obnetwork> 11.05.2011

40. Rubin, Michael, 2011, “Did Iran Really Plan a US Hit Job?” *American Enterprise Institute for public policy Research*, October 12, <http://www.aei.org/article/104257?gclid=CNXAqc6un6wCFRJTfAodCSyv_g> 11.05.2011

41. “Russia, Europe, China warn Israelis on Iran,” 2011, *Hürriyet Daily News*, November 8 <<http://www.hurriyetdailynews.com/n.php?n=russia-europe-china-warn-israelis-on-iran-2011-11-08>> 11.17.2011

42. “Russia warns against military strike on Iran,” 2011, *Hürriyet Daily News*, November 7, <<http://www.hurriyetdailynews.com/n.php?n=russia-warns-against-military-strike-on-iran-2011-11-07>> 11.17.2011

43. “Sarkozy for tighter Iran sanctions after assassination plot,” 2011, *Expectica*, October 18, <http://www.expatica.com/fr/news/french-news/sarkozy-for-tighter-iran-sanctions-after-assassination-plot_182842.html> 11.17.2011

44. “Saudis urge UN to adopt resolution deploring alleged Iranian plot to kill Saudi envoy to US,” 2011, *The Washington Post*, November 17, <http://www.washingtonpost.com/world/middle-east/saudis-urge-un-to-adopt-resolution-deploring-alleged-iranian-plot-to-kill-saudi-envoy-to-us/2011/11/16/gIQANM3oSN_story.html> 11.17.2011

45. Sayah, Reza, 2011, “Some analysts skeptical of alleged Iranian plot”, *CNN*, October 17, <<http://www.cnn.com/2011/10/12/us/analysis-iran-saudi->

plot/ index.html?iref=obnetwork> 11.05.2011

46. Siegel, Paul, 2005, "Terrorism is a Crime," Democrats & Liberals Archives, July 28, <<http://www.watchblog.com/democrats/archives/002514.html>> 11.13.2011

47. Sobhani, Rob, 2011, "The cold war between Saudi Arabia and Iran", CNN, October 12, <<http://globalpublicsquare.blogs.cnn.com/2011/10/12/the-cold-war-between-saudi-arabia-and-iran/>> 11.05.2011

48. "Speech Act Theory", Changing Minds <http://changingminds.org/explanations/theories/speech_act.htm> 02.15.2010

49. Toobin, Jeffrey, 2011, "How strong is the case against Iran plot suspect?" CNN, October 13, <<http://www.cnn.com/2011/10/12/opinion/toobin-iran-plot/index.html?iref=obnetwork>> 11.05.2011

50. "UK Freezes Assets in Iranian Assassination Plot ," 2011, CBN News, October 18, <<http://www.cbn.com/cbnnews/world/2011/October/UK-Freezes-Assets-in-Iranian-Assassination-Plot/>> 11.17.2011

51. UN, GA, 2001, "Terrorist attacks on internationally protected persons," A/RES/66/12, 18 November.

52. U.S. Department of Justice, Office of Public Affairs, and The FBI, 2011, "Two Men Charged in Alleged Plot to Assassinate Saudi Arabian Ambassador to the United States," October 11, <<http://www.fbi.gov/newyork/press-releases/2011/two-men-charged-in-alleged-plot-to-assassinate-saudi-arabian-ambassador-to-the-united-states>> 11.06.2011

53. "Washington to persuade Russia, China over 'plot'," 2011, War & Peace in the Middle East, October 13, <<http://warandpeaceinthemiddleeast.com/2011/10/washington-to-persuade-russia-china-over-plot/>> 11.17.2011

54. The White House, Office of the Press Secretary, 2011, "Readout of the President's Call with King Abdullah of Saudi Arabia", October 12, <<http://www.whitehouse.gov/the-press-office/2011/10/12/readout-presidents-calling-abdullah-saudi-arabia>> 11.05.2011

55. “White House on U.K. Sanctions on Assassination Plot Organizers,” 2011, US Policy, October 18, <<http://www.uspolicy.be/headline/white-house-uk-sanctions-assassination-plot-organizers>> 11.71.2011

56. Wolfram Lacher, Wolfram, 2008 “Actually Existing Security: The Political Economy of the Saharan Threat”, Security Dialogue vol. 39, No. 4, (August), pp. 383-405.

57. “2 Iranians Charged In Plot To Kill Saudi Envoy,” 2011, NPR (National Public Radio) October 12, <<http://www.npr.org/2011/10/12/141259488/u-s-iran-behind-plot-to-kill-saudi-envoy>> 11.06.2011

The “Plot to Assassinate the Saudi Envoy to the United States in a Washington” From the Viewpoint of the Securitization Theory

Bahram Mostaghimi
Retired Assistant Professor of Law and Political Science
Tehran University

The U.S. Attorney General announced on October 11, 2011 that the government had thwarted an Iran-backed plot to assassinate the Saudi envoy to the United States in a Washington restaurant. Saudi Arabia and the U.S. protested to the Security Council of the United Nations by their own letters. These letters show that they consider the issue a matter of security. So it is necessary to be brought before the Security Council. But Iran’s position shows that for her it is not a matter of security. The theory that can explain this difference of position on the issue is securitization theory which explains who it is possible some consider on situation as a security threat and others do not. By securitizing, a securitizing actor successfully presents a threat or vulnerability as a threat to the existence of addressee and acquires its approval for urgent measures. The U.S. steps on the presentation of the plot, indicating it as a matter of security, and the impact of them on other states and its outcome explain the process of securitization of the “plot to assassinate the Saudi ambassador to the United States”. It shows that in some cases the securitizing of the “plot” has been successful and in some other cases has not.

Keywords: securitization - plot to assassination - U.S. - Saudi Arabia - Iran